

گفت و گو با محمدطاهر شیخزاده

پسری با دو آرمان

شاید باور نکنید، اما امروز در همین صفحه شما شاهد مصاحبه‌ی مجله با کارگردان جوانی هستید که رضا عطاران، علی صادقی و شقایق فراهانی در فیلمش بازی می‌کنند! محمدطاهر شیخزاده، متولد ۱۳۷۵ در شهرستان «پیران شهر» آذربایجان غربی است. برای سؤال آغازین مصاحبه‌ی این هفته، می‌خواهیم حدس بزنید کدام یک از گزینه‌های زیر از زبان او بیان شده است؟

الف. بازیگران مورد علاقه‌ی من برد پیت و جانی دپ هستند.

ب. جانی دپ و برد پیت را نمی‌شناسم.

ج. اگر جانی دپ عاقل باشد، در فیلم من بازی می‌کند.

د. من از بازیگران خارجی، به خصوص جانی دپ و برد پیت خوشم نمی‌آید.

پاسخ این سؤال را در ادامه‌ی مصاحبه جست‌وجو کنید.



یکی بود. من زمانی که آرمان ۲ را می‌ساختم، تصمیم داشتم آرمان ۱ را ارتقا داده باشم. کار را سه‌بعدی کردم و... با این حال هشت ماه طول کشید.

چه قدر به کار گروهی اعتقاد دارید؟
من، رضا ابراهیمی و مهران عابد بصیری که تدوین و صداگذاری کار را به عهده داشتند، حدوداً سه سال است که با هم کار می‌کنیم. بالاخره سرعت کار گروهی بالاتر است. ساخت یک کار با همان کیفیت قطعاً وقت بیشتری از یک نفر تنها می‌گیرد. البته باز هم باید اضافه کنم که ما حتی اگر بخواهیم گروهی کار کنیم هم برای پیدا کردن گروه مشکل داریم. مثلاً سال گذشته هیچ کس حاضر نشد در فیلمی که قرار بود بسازیم، بازی کند.

چه قدر اهل مطالعه‌اید؟
کم! قبل از دبیرستان بیشتر کتاب می‌خواندم، اما حالا شاید فقط اخبار و رویدادها را در اینترنت دنبال می‌کنم، آن هم برای گرفتن ایده.

بهترین انیمیشن‌هایی که دیده‌اید، کدام انیمیشن‌ها بودند؟
رنگو، آپ و تهران ۱۵۰۰.

قرار است کی چنین کارهایی بسازید؟
با این امکانات هیچ‌وقت! باور نمی‌کنید، اما واقعاً برای پیدا کردن یک میکروفون به هزار مشکل برخوردیم. برای ساختن انیمیشن‌هایی

در کنارشان هم هنر را ادامه داد.

خب برگردیم سراغ انیمیشن. اصلاً چه طور وارد فضای رشد شدید؟

راستش اینجا اطلاع‌رسانی چندان خوب نبود. کار من در مسابقات کشوری پرسش مهر اول شد و بعد خودشان آن را به رشد هم ارائه دادند. پرسش مهر را هم خودم از طریق اینترنت فهمیدم. البته خیلی هم تقصیر مدرسه نیست. یعنی اگر اطلاع‌رسانی می‌کردند هم کسی داوطلب نبود. اینجا من تنها کسی هستم که برای جشنواره‌ها کار می‌فرستد. یعنی تا سال ۱۳۹۲ که فقط من بودم، در کل پیرانشهر!

پس کار کردن با این همه نرم‌افزار تخصصی را از کجا یاد گرفتید؟
عمومی دارم که رایانه خوانده و خیلی در زمینه‌ی ساخت انیمیشن همراهم بود.

و حالا هم که خودتان برای بقیه کلاس آموزشی گذاشته‌اید. از این راه درآمدی هم دارید؟

نه، درآمد ندارم، اما این طوری تلاش می‌کنم تا بلکه بقیه هم به انیمیشن‌سازی علاقه پیدا کنند.

چه قدر طول کشید تا «آرمان ۲» را تمام کنید؟

تقریباً هشت ماه. انیمیشن ساختن کار وقت‌گیری است. داستان‌های آرمان ۱ و ۲

آقای شیخزاده شما در چه خانواده‌ای زندگی کرده‌اید؟ آیا فضای زندگی تان از اول فضایی هنری بود؟

خانواده‌ی ما تحصیل کرده بودند، اما نه در زمینه‌ی هنر. رشته‌ی خود من هم هنر نیست، اما کنکور هنر می‌دهم.

رسیدن هم‌زمان به دو رشته کار را سخت نمی‌کند؟

سخت می‌کند، اما چاره‌ای نبود، شهر ما هنرستان نداشت. من روزی هفت هشت ساعت درس‌های تخصصی و عمومی می‌خوانم و در عین حال سعی می‌کنم از کنکور هنر هم عقب نمانم.

پس اولویت مطالعه‌تان برای رشته‌ی تجربی است؟

بله، به‌هر حال من تا اینجا چند سال برای این رشته تلاش کرده‌ام. این طوری خیالم راحت‌تر است. دوست ندارم از تجربی رانده و از هنر مانده بشوم!

و اگر خدای ناکرده به‌هر دلیلی، یک هزارم درصد در هیچ‌کدام قبول نشدید؟
سال بعد فقط هنر می‌خوانم، اختصاصی.

اگر هر دو رشته را قبول شدید چه‌طور؟

پزشکی و زیرمجموعه‌هایش و سوسه‌انگیزترند و خانواده‌ام را بیشتر راضی می‌کنند و می‌شود



محمدطاهر شیخزاده برنده تندیس زرین بهترین انیمیشن از جشنواره رشد در سال ۱۳۹۲، انیمیشن «آرمان ۲» را ساخت و چهار سال است که در جشنواره‌های شهرستان، استان و کشور رتبه می‌آورد.

فیلم «کفش‌های قرمز» محمدطاهر در جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه آسیایی سئول در کره جنوبی هم شرکت داده شد. شاید هدف اصلی این مصاحبه یادآوری این نکته باشد که باید برای بعضی از استعدادهای دانش‌آموزی امکانات بیشتری صرف کرد.

دارالکارتون / مهدی ولی‌زاده



در جست و جوی نمو

اصل درسی که از انیمیشن در جست‌وجوی نمو گرفتم، به متن اصلی و اتفاقاتی که داستان را رو به جلو می‌برد هیچ ربطی ندارد. در واقع من از یک تکه بی‌ربط فیلم بیشتر از اتفاقات اصلی‌اش درس گرفتم. این تکه همان قسمت کوتاهی بود که دو ماهی غریبه وقتی پدر نمو را دیدند به او گفتند: «هی پسر! تو دلک ماهی هستی، یه جوک بگو.» و درست در این لحظه پدر نمو بی‌مزه‌ترین و تنها جوکی را که بلد بود گفت و خب نتیجه را هم که خودتان می‌دانید.

در واقع چیزی که می‌خواهم بگویم این است که «هیچ وقت از روی ظاهر کسی در موردش قضاوت نکنید!» شاید پدر نمو یک دلک ماهی بود، ولی دلیل نمی‌شود که بتواند دلک خوبی باشد. برای مثال، شاید من هیکل درشتی داشته باشم، ولی دلیل نمی‌شود که بتوانم یک کاناپه را بلند کنم. این را به پدرم هم بگوئید که کاناپه را نیندازد روی دوش من و بگوید: «هیکل گنده کردی برا همین روزا دیگه» من همین که می‌توانم وزن لباس‌های تنم را تحمل کنم خودش هنر است. پس در واقع بیایید برای اینکه اطرافیانمان را بشناسیم، جدای چهره‌شان، بیشتر به رفتارها و صحبت‌هایشان گوش کنیم. یادتان باشد هر دلک ماهی‌ای حتماً دلک نیست!

مثل آپ و رنگو امکانات بیشتری نسبت به همین چند نرم‌افزار ابتدایی که کار با آن‌ها را یاد گرفته‌ام، لازم است.

■ جدا از انیمیشن، جدیداً چند وقت است که فیلم هم می‌سازید. برای ساختن یک فیلم خوب چند سال بعد آماده‌اید؟ آن قدر فیلم می‌سازم تا هم به اکران برسم و هم اسکار. واقعاً برای فیلم ساختن سال مشخصی ندارم. سعی می‌کنم هر سال لاقلاً یک کار را آماده کنم. انیمیشن‌سازی را هم کنار نمی‌گذارم. مثلاً اگر فیلم‌ساز هم بشوم، باز برای جلوه‌های ویژه به انیمیشن نیاز دارم. فقط فکر می‌کنم در زمینه فیلم‌سازی موفق‌تر از انیمیشن‌سازی خواهم بود.

■ موضوع اولین فیلم موفق‌تان که قرار است اکرانش کنید، چیست و نقش اصلی این فیلم چه کسی است؟

جنایتهای انسان‌ها نسبت به هم، در هر جای دنیا؛ مثل عراق و افغانستان. برد پیت و جانی دپ.

■ چه توجیهی برای راضی کردن امثال برد پیت برای بازی در کارهایتان دارید؟

جانی دپ و برد پیت اگر عاقل باشند، بدون توجیه هم بازی برای فیلم مرا رد نمی‌کنند. اما اگر رد کردند، اصراری نیست، شاید دلشان نخواست که کمی انسان‌دوستانه برخورد کنند!